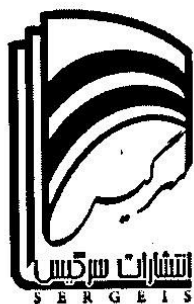


در حسرت دیدار

ادی داود



سرشناسه:	: داود ادی، ۱۳۲۹
عنوان و نام پدیدآور	: در حسرت دیدار/ عبدیشو داود عبدالله کندی، ویراستار: محمد محمدی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات سرگیس، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۶-۹۶-۳
وضعیت فهرست‌نویس	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵
موضوع	: Persian fiction -- 21st century
رده‌بندی کنگره	: PIR۸۳۴۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۸۳۲۲۶۴



در حسرت دیدار انتشارات سرگیس

ترجمه: عبدیشو داود عبدالله کندی

ناشر: سرگیس

وبسایت: محمد محمدی

چاپخانه: ترانه

تیراژ: ۱۰۰۰ عدد

بها: ۱۶۸۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول پیاپی ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۶-۹۶-۳

www.sergispub.ir

Email: Sergispress@gmail.com

آدرس: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، نبش کوچه نوروز پلاک ۵۱ طبقه همکف واحد د

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۱۹۱۶ - همراه: ۰۱۳۶۲۸۹-۰۹۱۲

هرگونه استفاده از جلد و متن کتاب (اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است و در صورت مشاهده از متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مقدمه:

حکایت‌های روایت شده در کتاب، (کوچ ۱۹۱۸) واقعیت داشته و نویسندگان کتاب که روایت کننده این اتفاقات می‌باشد به دلایلی از آوردن اسامی واقعی انسان‌ها و مکان‌ها پرهیز نموده است. حکایت، باز مانده برای نویسنده این کتاب اتفاق افتاده و بدون هیچ دخل و تصرفی روایت شده. حکایت هم شده را در سال‌های بسیار دور یک نفر گرد مهابادی که برادر باران، محسوب می‌شود برای نویسنده نقل می‌کند. در این حکایت تلاش بر این بود که نویسنده نسبت به حکایت نقل شده وفادار مانده و کمتر از بکار بردن تخیل استفاده نماید. اما داستان نرگس کمی متفاوت است. در واقع حکایت نرگس از ترکیب دو روایت شکل گرفته که نقش تخیل نسبت به دو حکایت دیگر کمی بیشتر است. اما هدف از به رشته تحریر در آوردن این حکایت‌ها از نظر راوی باز گردن گوشه‌ای از وقایع بسیار تلخ و خونین جنگ جهانی اول برای آشوری‌های آسمیه می‌باشد که به طریقی می‌بایست در تاریخ ثبت می‌شد. البته کمبود و نقاط ضعف در این کتاب بسیار خواهد بود زیرا نویسندگان این حکایت‌ها تجربه نبوده و تجربه زیادی در نویسندگی نداشته و فقط عدم فراموشی این وقایع انگیزه واقعی این اقدام بوده است. راوی حکایت‌ها امیدوار است که خوانندگان محترم کمبودهای موجود در این کتاب را با بزرگواری خود نادیده گرفته و خواهند بخشید. در اینجا لازم است از همه کسانی که چه با تشویق و ایجاد انگیزه و یا همکاری در اصلاح نوشتاری اینجانب را یاری نموده و به نحوی در تکامل این کتاب مؤثر بوده‌اند نهایت سپاسگزاری خود را ابراز نمایم.

پیشگفتار

نظر بر این که حکایت‌های روایت شده در این کتاب، مشتی از خروار هستند که در هنگام کوچ بسیار تلخ و اجباری ۱۹۱۸ آشوری‌های ارومیه به سوی عراق انتقال یافتند، لذا برای آگاهی جوانان و آن عده از خوانندگان عزیز که اطلاعاتی کمی را ارتباط با حوادث آن ایام ندارند لازم دانستم که اشاراتی هر چند کوتاه به ناآرامی‌های جنگ جهانی اول در منطقه آذربایجان غربی به خصوص ارومیه داشته باشم.

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ بین قوای متحدین: آلمان، اتریش، عثمانی (ترکیه)، و نیروهای متفقین: بریتانیا، روسیه، و صربستان شروع و در سال ۱۹۱۸ با شکست نیروهای متحدین پایان یافت. در این جنگ خانمان سوز، امپراطوری‌های: آلمان، اتریش، عثمانی، مجارستان و روسیه منحل شده، و تعداد ۱۷,۵۰۰,۰۰۰ نفر نظامی و غیرنظامی در طرفین کشته شدند. در درگیری‌های نیروهای روسیه و عثمانی، مسیحیان ساکن در امپراتوری عثمانی شامل: ارمنه، آشوری‌ها و یونانی‌ها به‌خاطر اختلافات ملی و مذهبی و همچنین شرایط جنگی در منطقه، با حکومت مرکزی درگیر شده که در نتیجه به قتل عام معروف ۱۹۱۵ انجامید که طبق بعضی از روایات ۱,۵۰۰,۰۰۰ ارمنی، ۷۵۰,۰۰۰ آشوری (سریانی) و ۲۰۰,۰۰۰ یونانی در این حوادث به قتل رسیدند و ادامه این کشتار باعث شد که هزاران نفر از ارمنه و آشوری‌های ساکن استان‌های شرق امپراطوری عثمانی به غیر

از سربانی‌های ساکن استان ماردین ناخواسته از طریق خوی و سلماس به ارومیه سرازیر شوند.

حوادث فوق زمانی در ایران اتفاق می‌افتد که حکومت مرکزی زمان قاجار بسیار ضعیف بوده و کنترل چندانی بر ایران و بالاخص استان آذربایجان غربی ندارد. در این زمان نیروهای عثمانی، روسی و انگلیسی در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، کردستان، زنجان، همدان و... حضور دارند. با این شرایط، دوازدهن نبود که ورود هزاران نفر گرسنه و بی‌خانمان و تا حدودی مسلمان، مشکلاتی را برای مردم ارومیه و حومه آن به همراه خواهند آورد و بدین ترتیب که در این ایام که جنگ بین نیروهای روسیه تزاری و امپراتوری عثمانی در حال انجام است، تعداد زیادی از سربازان روسیه به همراه گروهی از ارامنه و نسطوریان ساکن در ارومیه و شهرهای اطراف آن با قوای عثمانی و وابستگان داخلی درگیر بودند و در این حوادث و اتفاقات، افراد محلی نیز آسیب‌های جانی و مالی زیادی را متحمل می‌شدند. درگیری و ناآرامی‌ها در منطقه ارومیه در ریاد ادامه داشت تا شانزدهم مارس ۱۹۱۸، برابر با بیست و پنجم اسفند ۱۲۹۶، که مارشمعون رهبر مذهبی کلیسای شرق آشوری به دعوت سمیتکو (یکی از رهبران قبایل کرد منطقه) با تعداد زیادی از افراد مسلح جهت تبادل نظر در ارتقاء روابط و دیدادهای منطقه راهی روستای چهریق، در نزدیکی کهنه شهر سلماس، می‌شود. اما سمیتکو که نقشه قتل مارشمعون و همراهان وی را در سر داشت بعد از ملاقات و پایان مذاکرات مهمانان خود را به رگبار گلوله بسته و رهبر مذهبی آشوری‌ها مارشمعون و تعداد زیادی از همراهان وی (حدود یکصد و پنجاه نفر) را به قتل می‌رساند. پس از انتشار خبر قتل رهبر مذهبی آشوری‌ها، کشتار و ناآرامی‌ها در اطراف ارومیه و سلماس چندبرابر گردیده و تعداد زیادی از افراد بی‌گناه نیز در حوادث تلخ و ناگوار آن ایام جان خود را از دست می‌دهند. یکی از مهمترین حوادث تأثیرگذار در جنگ جهانی اول، وقوع انقلاب

اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه بود که با سقوط امپراطوری تزاری روسیه و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی تغییراتی اساسی در سیاست داخلی و خارجی روسیه سابق اتفاق افتاد از جمله: کنار کشیدن نیروهای خود از جبهه‌های نبرد با قوای عثمانی. عقب‌نشینی نیروهای شوروی از مقابل قوای عثمانی ضربه سنگینی بر آشوری‌ها و ارامنه غیربومی که درگیر جنگ با نیروهای عثمانی بودند وارد آورد؛ زیرا دیگر تأمین اسلحه برای آنان با دشواری انجام می‌گرفت و آنان در مقابل قوای امپراطوری عثمانی بسیار آسیب‌پذیر شده بودند. جنگ و ریزه به طور پراکنده بین نیروهای متخاصم در ارومیه و شهرها و روستای اطراف آن ادامه داشت تا روز دهم ژوئیه ۱۹۱۸ که یک هواپیما به خلبنانی پنهان چون از طرف ژنرال دنسترویل فرمانده نیروهای انگلیسی مستقر در قزوین، بام آورد که آشوری‌ها برای تأمین اسلحه نیروهای خود باید به سوی محل مستقر نیروهای انگلیسی در صائین قلعه (شاهین‌دوز) حرکت نمایند و یک روز بعد آنان اتفاق آقا پطروس فرمانده نیروهای آشوری با یک هزار سوار راهی صائین قلعه می‌شود و پس از عبور از خطوط دفاعی لشکر ششم عثمانی مستقر در ساوجبلاغ (مهاباد) و درگیری‌های پراکنده بالاخره خود را به صائین قلعه رساند، اما در کمال ناباوری نیروهای انگلیسی را در آنجا نمی‌یابد! در همین زمان خبر نزدیک شدن قوای عثمانی از مسیر سلماس به سوی ارومیه شدیداً آشوری‌ها و ارامنه ساکن منطقه را در غیاب نیروهای مسلح نگران کرده که در نتیجه هشتم مرداد ۱۲۹۷ برابر با آگوست ۱۹۱۸ کوچ بزرگ و اجباری آشوری‌ها و ارامنه به خاطر ترس از قتل‌عام به دست نیروهای عثمانی آغاز می‌شود در این کوچ به روایتی هفتاد و پنج هزار نفر از زن، مرد، پیر، جوان و کودکان شیرخوار به همراه احشام که اکثریت آنان با پای پیاده و اقلیتی با گاری، تمام داشته‌های خود را از منازل، باغ‌های انگور، زمین‌های کشاورزی و... را پشت سر گذاشته و بر خلاف میل خود، به سویی ناکجاآباد راهی

می‌شوند. در طول راه، کوچ‌کنندگان مورد تعقیب و تعرض نیروهای مسلح عثمانی واقع شده و در بعضی موارد گروه‌های بومی مسلح و راهزنان نیز بر این کاروان بی‌دفاع حمله کرده و تعداد زیادی را کشته و زخمی می‌نمایند. از جمله یکی از این درگیری‌ها در نزدیکی ساوجبلاغ اتفاق می‌افتد؛ اما مهمترین و شدیدترین حملات به کاروان کوچ‌کننده در سوغلی تپه (سولی تپه) در نزدیکی شهر میاندوآب ثبت شده است. در این یورش نیروهای مسلح محلی به فرماندهی مجد السلطنه با نقشه قبلی کاروان کوچ‌کنندگان را به محاصره درآورده و از بالای تپه، باران گلوله توپ و سنگ بر سر کوچ‌کنندگان بی‌دفاع آغاز می‌شود. به روایتی این کشتار چند ساعت به طول می‌انجامد و لوله توپ مهاجمین از شدت شلیک داغ شده و ترک بر روی دیوار دارد. در این حادثه هزاران تن از زنان، مردان، و کودکان بی‌دفاع کشته، زخمی و همچنین تعداد زیادی به اطراف فرار کرده و از کاروان و فامیل خود دور شده و در نهایت به اسارت نیروهای مهاجم درآمدند و دیگر هرگز به اعقاب خانواده برنمی‌گردند. اما وقوع حوادث تلخ به همین‌جا خاتمه نیافته و بار دیگر کاروان خسته و گرسنه آشوری‌ها در صائین قلعه مورد حمله مهاجمین مسلحی قرار گرفته و باز هم تعداد زیادی کشته، زخمی و اسیر می‌شوند و بدتر اینکه نیروهای انگلیسی نیز صائین قلعه را ترک نموده و به بیجار نقل مکان نمودند. خلاصه بازماندگان این کوچ حدوداً بیست نه هزار نفر از عزیزان خود را در این مسیر از دست داده و در نهایت به شهرهای موصل و بعقوبه و... در عراق می‌رسند و چند سالی را در کمپ‌های آماده شده توسط انگلیسی‌ها به سختی سپری نموده و بعد به‌مرور آشوری‌های ایران به روستاهای خود در ارومیه برمی‌گردند.